[illegible]

[illegible] ... کردم

[illegible] ... کردم

[illegible]

[illegible] ... کردم

[illegible]

[illegible] ... کردم

[illegible]

[illegible] ... کردم



ز دست رفتی … | که جهان … بگشا

[illegible]

… کاعتدال … | شکست رونق سرو بلند بالا

[illegible]

شبی و شمعی و … | نظر … چو … اعدا

من … که … | … عمدا

[illegible]

ای نفس … خرم باد صبا | … آمده …

[illegible]

… آمده … | با قوم … روم …

باده … به گور … | … ای …

[illegible]

قصه … | … نگردد …

گر به … سعدی … کوه | کوه … آید …

[illegible]

… | چو …

[illegible]

با خود و بیخود با دو دل افتاده‌ای کرد / آن چه بود که بجنبد درون ابروی
سعدی تو کیستی که در این حلقه کمند / چندان فتاده‌اند که بسیار صید لاغرند
من از دست کمان‌ابروان / نه آرام گرفتم که در بند سو
دو چشم خیره گشت از نظر / نماند طاقت صبر خورشید لب نازو
به بست انگشت من بدم حیرت / گذشت آنکه زده ز دو دو گیسو
لب لعلی چو مرجان که گوهر / ز دو زلف چو پرستو
نفس آن برکشید چندان ریش / گرد و چه ز دو دم آهو
خوبی چهره مطبوع را چه / برگ از دوش حال است
همه جا که گوهر ز دیده شد / هر دو ز آب ز گوچک تر از تو
نه هر دو از ز آب شور خیزد / ز در ز آب شیر شد لولو

بیا در روی گل جام گل اندام / هر شب خدا رود دم دو
ز آن گل نه در شوق غنچه / که باد در تو ز آن آمد به زد
تکلف کن نگوی یا رب / که جز آنکه ز آن رحمت معصو
تماشا گری انگشتر داده است / که هر که ز آن صورت دل است
به نظاره بار حسب کل / خصی که آنکه دیدار است
به لب گفتن چنانش بریز / ز خورشید آن نیاز است
سر کشته آن گلشن بربی / که هست صبر از دست
ز دو دو دو دو بینش / ز بادام تیر آنچه رست
بیا چشم / دیده خوش آن میا است
بیا خیز که / خیال دیده ما که

[illegible]
بشنو از نی که [illegible] / [illegible]
بگشود [illegible] / [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
ای دل ای یار [illegible] / [illegible]

آن پری کز عشق چشم چپ تو [illegible] | بازبینم که در عالم [illegible]

[illegible]

[illegible] | هر که بیند چشم چپ [illegible]

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible]

دو روی تو [illegible] | چون آب از آینه پیداست

چشم چپ [illegible] | تا دیده [illegible]

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible]

آن [illegible] | [illegible]

آن [illegible] | چون [illegible]

ای شهرهٔ شهر و فتنهٔ جمیل	با منظرت انتظار ... روا ...
هرگز نکند بصورت ...	در صورت آدمی ...

[illegible]

ای روی تو ...	دل ...
کلکم ...	... دل ...

ای سرو روان گلبن نو	... طلعت و آفتاب ...
بستان ...	شب ...

[illegible]

...	چه ...
...	...

دیدار تو حل مشکلات است	صبر از تو خلاف ممکنات است
دیباچهٔ صورت بدیعت	عنوان کمال حسن ذات است

[illegible]

...	...

چون تشنه ...	چه فایده گر ...

[illegible]

...	...
...	...

بود که پیش تو میرم اگر مجال بود | و گر نه بر سر کویت [illegible]

[illegible]

[illegible]

و گر نه دیده [illegible] | هر که [illegible]

هرگز به حضور دل شده صبوری | یا من محبت تو دوری گزینی

[illegible]

چمن هما یا سایه بر سر فکن | تا در قبال شوم پیک آخری

حافظ [illegible] | با تو [illegible]

[illegible]

[illegible] | نوبت [illegible]

در خطر دوری [illegible] | گر خطر دوری [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شبی [illegible] | اگر [illegible] بیشتر

[illegible]

کرم [illegible] | [illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جهان زد عطرافشان گرد باد

چه ... [illegible]

که گیسو پیش آن گرد باد

که زد زیر ... پنهان گرد باد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خرم دل آنکه همچو حافظ

جامی ز می الست گیرد

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

اگر خواهی ز سعدی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دوش که مجنون [illegible] | خیمه لیلی کجاست

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible]

[illegible]

تمام جهان [illegible] جهان [illegible]

خاری که [illegible]

[illegible]







